

وقتی «اردوی همایون» به زیارت آمد

سیده‌نعمه زینبی ناصرالدین‌شاه، حکمران خوش گذران قاجاری، اهل سفر و سیاحت بود و در این میان، عزیمت‌های او به فرنگ، آن هم با مخارج کمر شکن، شهرت بیشتری دارد. این سفرها درکنار هزینه‌های سرسام‌آورش -که البته همیشه از گرده رعیت بیچاره کشیده می‌شد- اگرچه خوب نبود، در مواقعی سبب آشنایی ایرانی‌ها با دستاوردهای ملل اروپا می‌شد، روزنامه‌نگاری و ثبت وقایع، بخشی از این آشنایی‌ها بود که سلطان صاحبقران درکنار کوهنوردی، نقاشی، شاعری و تسلط به زبان خارجی به آن‌ها علاقه بسیار نشان می‌داد. این دست علاقه‌مندی‌ها در ادامه، پایه‌گذار رخداد دیگری می‌شود که حکایت از روحیه ماجراجویانه و علاقه او به قرص کردن یاد خودش، در گذر زمان دارد. سفرنامه‌نویسی، این اتفاق خوشایند است که توانسته است بخشی از تاریخ آن دوران را برای امروز ما ثبت و ماندگار کند که البته شامل مشهد هم می‌شود. ماجرا از این قرار است که سلطان قاجاری دوبار عزم زیارت می‌کند و در هر دو نوبت، شرح این پابوسی را می‌نویسد، شرحی که در قالب سفرنامه است اما در روزنامه‌ای به نام «اردوی همایون، چاپ می‌شود.

۳ اتفاق مبارک

شاه در نخستین سفرش به دیار خراسان، «علی‌نقی حکیم‌الممالک، را مأمور نوشتن سفرنامه‌اش کرد اما در سفر دوم، خودش دست‌به‌قلم شد تا بر جریده عالم، ثبت خاطرات کند. شاه ادب‌دوست البته در ادامه به همین اندازه قانع نشد و تصمیم گرفت روزنامه‌ای را در طول سفرهایش به مشهد، چاپ کند و این چنین، اخبار وقایع و اتفاقات مسیرش را روزانه به دست بزرگان و امرای هر شهر برساند، اتفاق نادری که فقط از شخصیت عجیب و پیش‌بینی‌ناپذیر ناصرالدین‌شاه در آن زمان برمی‌آمد. در نخستین سفر او به خراسان، نام این نشریه «روزنامه اردوی همایون، است که چهار شماره از آن وجود دارد اما در سفر دوم، این نام مختصر می‌شود و «اردوی همایون، بر تارک روزنامه می‌نشیند، جریده‌ای که برابر اسناد باقی‌مانده از آن دوران، در دوازده شماره منتشر شده است. برخی معتقدند احتمالاً قصد شاه از چاپ این روزنامه با این شیوه، افزودن دیدبه و کبکیه سفر زیارتی‌اش بوده است ولی بی‌آنکه بخواهد، سه اتفاق مبارک را در شهر امام‌رضا^(ع) رقم زده است؛ اول آنکه، این نشریه که شرح سفر آن‌ها از تهران به مشهد است، عنوان نخستین روزنامه سفری ایران را بر پیشانی دارد. دوم اینکه وقتی شماره چهارم روزنامه در مشهد به چاپ رسید، نام نخستین روزنامه ارض اقدس را هم از آن خود کرد. افزون بر این‌ها، نخستین و قدیمی‌ترین مطلب درباره حرم و ابنیه آستان قدس در چهارمین شماره «اردوی همایون، به چاپ رسیده است.

روزنامه گم‌شده



۲۱سال از حکومت طولانی شاه قاجاری می‌گذشت که هوای مشهد به سرش زد و با ۴هزارو ۵۰۰نفر از رجال و شخصیت‌های سیاسی، نظامی، پزشکان و خدم‌وحشم پا در راه دیار خراسان گذاشت، سفری که ۵۹روز را به شب کوک زد تا شاه از تهران به مشهد برسد و ۳۳روز در این شهر، رحل اقامت بیفکند و دوباره به شمس‌العماره بازگردد. از روزی که کاروان شاهی به سمت شهر هشتمین امام^(ع) به راه افتاد، شاه دستور داد اتفاقات سفرش را، هم بنویسند و هم روزنامه کنند. «روزنامه اردوی همایون، در نخستین سفر شاه به مشهد به طبع رسید. خبر چاپ این روزنامه، موثق بود و خبرهای چاپ آن در دیگر جراید آن زمان به چاپ رسیده بود؛ به‌طور مثال چند خبر در «روزنامه دولتی»، از وجود چنین کاغذی حکایت می‌کرد. این جریده ۱۶خرداد سال۱۲۴۶ نوشت: «وقایع اردوی همایون تا ورودی سمنان از این قرار است که روزنامه اردوی همایون که در سمنان طبع شده، سمت نگارش رفته و صورت تقسیم پذیرفته است». به زبان ساده اگر بخواهیم این خبر را تفسیر کنیم، می‌شود گفت نخستین شماره روزنامه اردوی همایون در سمنان، چاپ، منتشر و توزیع شده است، روزنامه‌ای که تا چند دهه پیش، هیچ اثری از آن پیدا نبود و در هیچ‌یک از تاریخچه‌ها و فهرست‌های مطبوعات ایران، پژوهشگران و محققان نام آن را نیاورده‌اند.

گنجی در دل یک کتابخانه قدیمی

پس تا پیش از کشف نخستین روزنامه سفر، «اردوی همایون، که نشریه سفر دوم سلطان صاحب‌قران است ودر سال ۱۳۰۰هجری قمری به چاپ رسیده است، تنها روزنامه سفری به‌جای‌مانده از این شاه عجیب بود. اما قصه قرار نبود همین‌جا به پایان برسد و در دهه ۷۰آیت‌... سیدمحمد جزایری با دکتر ایرج افشار(استاد و پژوهشگر نامی حوزه تاریخ و فرهنگ ایران) تماس می‌گیرد و می‌گوید: تعدادی نشریات عهد قاجار دارم و می‌خواهم آن را بفروشم. او از افشار می‌خواهد اگر کسی را می‌شناسد که به خرید این مجموعه علاقه دارد، به او معرفی کند. استاد نیز شماره سیدفرید قاسمی را به جزایری می‌دهد و در یک تماس تلفنی، او نام نشریه‌ها را به قاسمی اعلام می‌کند. قاسمی با شنیدن نام «روزنامه اردوی همایون، مشتاقانه همان روز به دیدار صاحب مجموعه قاجاری می‌رود و با اندک چانه‌زنی بر سر قیمت، آن‌ها را می‌خرد و در یک کتاب با همین نام به چاپ می‌رساند تا دیگران نیز از وجود این روزنامه قدیمی باخبر شوند. اگر می‌دانستیم چه بر روزنامه عهد ناصری گذشته است تا سروکارش به کتابخانه یک روحانی بیفتد، شاید داستان جذاب‌تر هم می‌شد. اما تا اینجا می‌توانیم بگویم، به زبانی که همین تماس تلفنی، بخش تازه‌ای را به تاریخ کشور می‌افزاید و خدا می‌داند چه تکه‌های گم‌شده‌ای از تاریخ در کنج چه کتابخانه‌ها و صندوقچه‌هایی خاک می‌خورد.

نخستین روزنامه سفر در مشهد

اکنون برویم به سراغ خود این جریده قدیمی که بر جای سه نخستین در مطبوعات ایران و شهر مشهد نشسته است. پیش از ناصرالدین‌شاه فقط یک روزنامه در ایران با نام «کاغذ اخبار»، ۱۸۶سال پیش به‌همت میرزا محمد صالح شیرازی کاررونی در دوره محمدشاه قاجار و در تهران به چاپ رسیده بود. بعد از آن‌هم امیرکبیر، «وقایع اتفاقیه» را چاپ کرد و دیگر روزنامه‌ها به‌تدریج پاگرفتند. اما تا سال ۱۲۴۶خورشیدی هیچ روزنامه‌ای در سفر منتشر نشده بود و ناصرالدین‌شاه این ایده خلاقانه را اجرا کرد. در یادداشت‌های حکیم‌الممالک(که در این سفر وظیفه داشت سفرنامه شاه را بنویسد)، درباره روزنامه اردوی همایون، خبرهایی آمده است که از آن‌ها معلوم می‌شود میرزا علی‌خان منشی، مدیرمسئول و نویسنده این نشریه بوده و مستوفی‌الممالک، وزیر مالیه، با حفظ سمت، مسئولیت توزیع آن را برعهده داشته است. در سفرنامه خراسان حکیم‌الممالک درباره این جریده آمده است: «شب بعد از شام قورق بشکست [...] میرزا علی‌خان منشی حضور قدری از مسوده (پیش‌نویس) مختصر روزنامه اردو را که هنوز چاپ نشده بود، به عرض رسانده، مقبول خاطر مبارک گشته، مقرر آمد به چاپ برسانند و به رسم مهجود، نسخه‌های آن را به نزد مستوفی‌الممالک بفرستند که به ولایات ممالک محروسه روانه دارند».

درهای طلا و نقره

تحويل خانه فراشان هم در دارالحفاظ به میان می‌آید. این گزارش، دو مسجد زنانه و مرحوم حاجی محمدولی میرزا را با عنوان دو شاه‌نشین حرم معرفی کرده است که به یکدیگر راه دارند. این راه‌رو را شخصی به نام مرحوم «عباس قلی‌خان کرد میر پنجه، آیین کرده که در آن زمان، محل نشستن قاریان کلام... مجید بوده است. دارالشفاء و مهمان‌خانه زوار در خیابان علیا و مهمان‌خانه اعیان در خیابان سفلی، از دیگر بناهایی است که در این گزارش، نام آن‌ها آورده شده است.

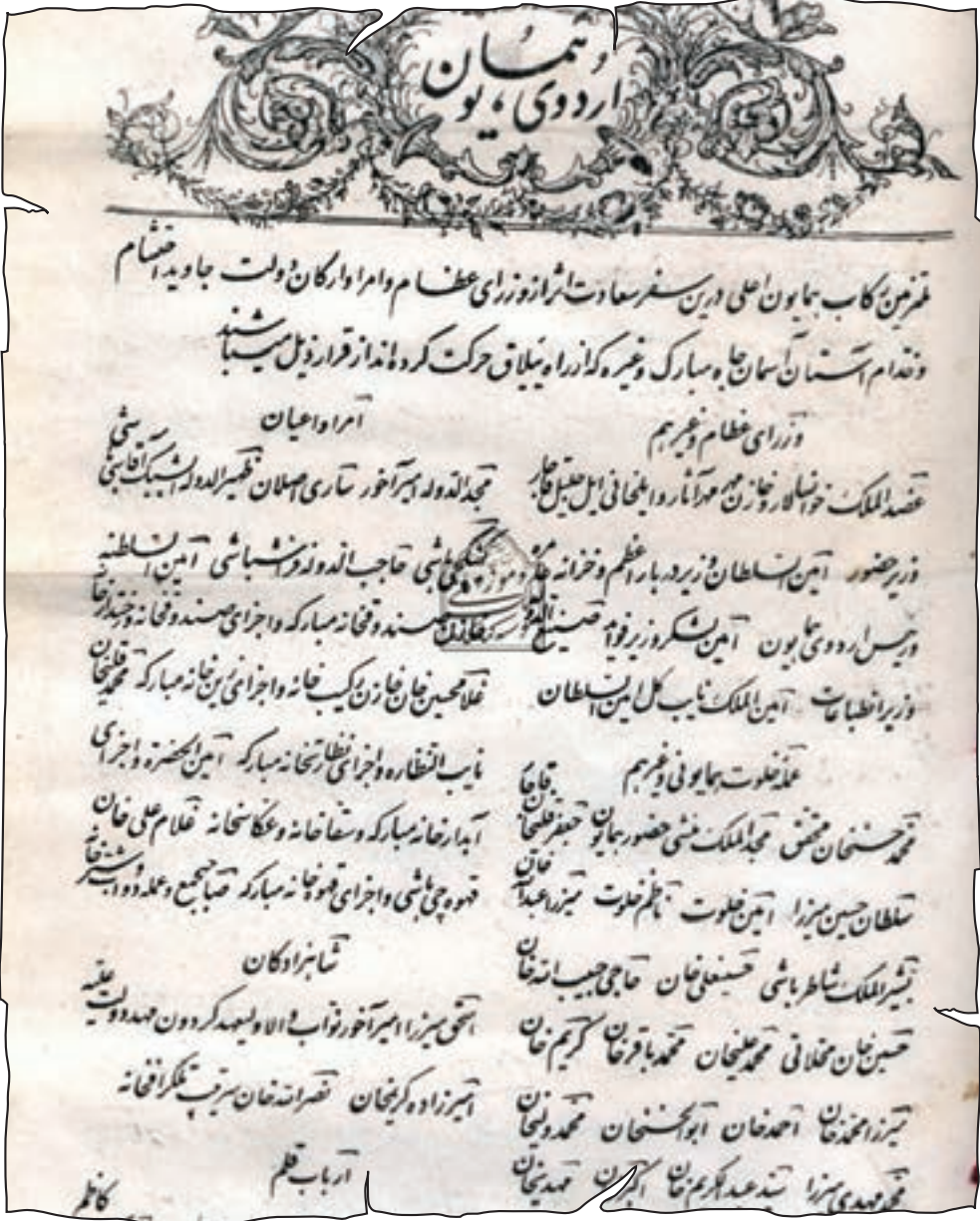
طبق آنچه در این گزارش آمده است، آن زمان حرم دارای دو در طلا بوده است که فتح‌علی‌شاه و عضدالملک آن را ساخته‌اند و هشت در نقره که درب ایوان نادرشاه، درب کتابخانه مبارکه، درب کشک کن اول، درب دارالسیاده از طرف ایوان طلا و در توحیدخانه از آن جمله بوده‌اند.

در جریده، صحبت از خزانه مبارکه، تحويل خانه منقولات و

نفت برای چراغ در دوره قاجار

نفت پدیده‌ای است که یک قرن ونیم است راهش به خانه‌های مردم، باز شده است. برای مشهدی که چند هزار کیلومتر تا نزدیک‌ترین منبع نفتی کشور فاصله دارد، کمی دیرتر سروکله این مایع سیاه پیدا شد، ولی بالاخره از اواسط دوره قاجار، نفت هم به حاملان انرژی این شهر پیوست. احتمالاً پای روس‌ها در میان بوده تا شهروندان ارض اقدس را با پدیده‌ای به نام نفت آشنا کنند. نفت جنوب در دوره قاجار به خراسان نمی‌رسید، به همین دلیل نیاز این مرزوبوم از چاه‌های قفقاز و باکو تأمین می‌شد. خراسان تا همین شصت هفتاد سال پیش، راه آسفالت درست و حسابی نداشت، چه برسد به راه‌آهن و هواپیما و تانکر و اسباب انتقال مایعی آتش‌زا مانند نفت. فاصله از جنوب تا نقطه شمال شرقی نقشه، زیاد بود و شبکه حمل‌ونقل ایران، آن قدر پیشرفت نکرده بود که بتواند نفت را حمل‌ونقل کند و آن را به ارض اقدس برساند. در عوض کشتی و قطار در آن‌سوی آب، به‌راحتی و وسیله حمل نفت را فراهم می‌کرد تا اسباب سوخت را از چاه‌های قفقاز از مسیر دریا حمل کند و سپس با

فتو
مشهد



نخستین اخبار حرم در نخستین جریده مشهد



مطالب چهارمین روزنامه اردوی همایون درباره بناهای حرم مطهر رضوی است که می‌تواند نخستین جریده‌ای که در مشهد به چاپ رسید، نیز لقب بگیرد؛ چون تا آن روز خبری از جراید در این شهر نبود. همچنین گزارشی که در صفحه‌های چهار تا هشت این روزنامه در ربیع‌الاول سال ۱۲۸۴ قمری به چاپ رسید، یکمین میراثی است که از صحن‌وسرای رضوی در روزنامه‌ها برای ما به یادگار مانده است. از محتوای این روزنامه می‌توان فهمید که صحن عتیق (انقلاب اسلامی) که نیمی از آن را امیرعلی شیر نوایی و بخش دیگری را شاه‌عباس ساخته، پنج در داشته است که به بالاخیابان، پایین خیابان، بازار بزرگ، بازار بزازان و بازار آقاچه (حاج آقاخان) گشوده می‌شد. مدرسه ملاتاج هم پشت ایوان طلا قرار داشته است. مدرسه میرزا جعفر، شمع‌خانه، کشیک‌خانه مؤذنین، مکتب‌خانه ایتمام، کشیک‌خانه دربانان، مجلس سرکاری، دارالتولیه وزیرنظام، دارالتولیه عضدالملکی، حجره میرزای ناظر و حجره میرزای وزیر، دورتادور صحن عتیق جاداشند. طبق این جریده، نقاره‌خانه آن زمان را شخصی به نام حاجی قوام، معماری کرده است و صحن آزادی که آن زمان تازه ساخته شده بود، به نام «صحن جدید فتح‌علی شاهی» معروف بوده است. این صحن چهار گذر به‌سوی ایوان ضراب‌خانه، پایین خیابان، بازار زرگران و مقبره شیخ بهایی داشته است. ایوان طلای ناصری، مطبخ و شربت‌خانه خدام، همچنین سقاخانه کاشی که حاجی میرزا محمد رضا مستوفی بنا کرده، نیز از سازه‌های معروف این سرابوده است.



نخستین خبر از مسجد پیروزن

این جریده برای توصیف ایوان مسجد گوهرشاد، عباراتی مانند: «رفعت بنا»، «محسنت عمارت»، «و کاشی ممتاز» را به کار می‌برد به کار رفتن سنگ مرمر در کاشی معرق را از ویژگی‌های آن بیان می‌کند. اکنون درمیان بناهای حرم مطهر خبری از مسجد پیروزن نیست اما در این شماره اردوی همایون، درباره آن نوشته‌اند: «در فضای صحن این مسجد (گوهرشاد)، محوطه معروف به مسجد پیروزن است که سابقاً به نصب چند چوب از حیاط

ممتاز (مشخص) بوده. حالا به‌جای چوب، امتیاز آن را از سنگ‌های تراشیده قرار داده‌اند، در این ورق، درباره بیشتر بناهای حرم صحبت شده است و با دقت در آن، می‌توان به سازندگان و بنیان‌گذاران بعضی بناهای حرم رسید. درباره گنبد ا... وردی‌خان نیز ویژگی‌هایی جالب با کلامی خاص، ذکر شده است که خواندن اصل عبارات آن خالی از لطف نیست: «این گنبد رفیع‌الاساس، منبع‌البنان تماماً از صفا (تالار) و سقف کاشی معرق شده و در هر صفا تاریخ، ولادت و ایام حیات و زمان وفات یکی از ائمه هدی را در کتیبه نوشته است و الحق صانع این بنا، عمر مؤید و زندگانی جاوید برای خود گذاشته».

ضریح‌های حضرت در روزنامه اردو

سه ضریح مضجع شریف حضرت که تا زمان ناصرالدین‌شاه بر روی قبر آن حضرت قرار داشت، در این جریده معرفی می‌شود: «اول ضریح طلاست و مرحوم شاه‌عباس در سفری که پیاده به آستان ملائک پاسبان مشرف شد، بر حسب نذر انجام داد. ضریح دوم، فولاد مرصع است که از قرار مشهور، نادرشاه افشار برای مقبره خود ساخته بود، چون چنان ضریح، جز لایق امام نبود. به سعادت، مصرف روضه سرکار فیض آثار شد. ضریح سوم، فولاد است و در طارم سه آن، نقره و بر روی نقره، صفحات طلا به کار برده‌اند، و البته اکنون ما می‌دانیم که دو ضریح دیگر در دوران معاصر به این جمع پیوسته‌اند.



قطار به عشق آباد برساند و آنجا احتمالاً توسط گاری‌ها و قاطر‌ها به‌سوی خراسان که آن زمان بازار خوبی برای این ماده سیاه‌رنگ بود، برساند. این طلای سیاه‌رنگ بدو را به تجارت‌خانه‌ها و کمپانی‌های مختلف سوئدی، روسی و مسلمان می‌رساندند هم به حاملان انرژی این شهر پیوست. احتمالاً پای روس‌ها در میان بوده تا شهروندان ارض اقدس را با پدیده‌ای به نام نفت آشنا کنند. نفت جنوب در دوره قاجار به خراسان نمی‌رسید، به همین دلیل نیاز این مرزوبوم از چاه‌های قفقاز و باکو تأمین می‌شد. خراسان تا همین شصت هفتاد سال پیش، راه آسفالت درست و حسابی نداشت، چه برسد به راه‌آهن و هواپیما و تانکر و اسباب انتقال مایعی آتش‌زا مانند نفت. فاصله از جنوب تا نقطه شمال شرقی نقشه، زیاد بود و شبکه حمل‌ونقل ایران، آن قدر پیشرفت نکرده بود که بتواند نفت را حمل‌ونقل کند و آن را به ارض اقدس برساند. در عوض کشتی و قطار در آن‌سوی آب، به‌راحتی و وسیله حمل نفت را فراهم می‌کرد تا اسباب سوخت را از چاه‌های قفقاز از مسیر دریا حمل کند و سپس با خانواده کافی باشد.